

مصحف علی علیه السلام از منظر احادیث*

- دکتر علی اصغر ناصحیان^۱
- عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

چکیده

مصحف علی علیه السلام از مباحث مهم و شایسته پژوهش است. در منابع شیعه و سنی به این مصحف اشاره شده و شبهات و پرسشهایی نیز درباره آن مطرح شده است و شایسته است مطالب زیر درباره این مصحف مطرح و از دیدگاه احادیث بررسی شود:

۱. ویژگیهای تفسیری مصحف علی علیه السلام. ۲. نقد دیدگاه مشهور که می گوید مصحف علی علیه السلام به ترتیب نزول تألیف شده است. ۳. دلایل وحیانی بودن ترتیب مصحف رایج. ۴. دلیل پذیرفته نشدن مصحف علی علیه السلام از سوی هیئت حاکمه. ۵. اهمیت مصحف علی علیه السلام و سرنوشت آن.
- واژگان کلیدی: قرآن، مصحف علی علیه السلام، جمع قرآن، ترتیب سور.

مقدمه

یکی از مباحث مهم و شایسته پژوهش در مبحث جمع قرآن، موضوع مصحف علی علیه السلام است که در منابع شیعی و سنی یاد شده (ر.ک: سجستانی، ۱۴۰۵: ۱۶؛ بلاذری، ۱۹۹۷: ۱۴/۲؛ ابن ندیم، ۱۴۱۵: ۴۵؛ یعقوبی، بی‌تا: ۳۵/۲؛ قمی، ۱۴۰۴: ۴۵۱/۲؛ شیخ مفید، *اوائیل المقالات*، ۱۴۱۳: ۸۱؛ همو، *المسائل السرویه*، ۱۴۱۳: ۷۹؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۸-۳۶/۱؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۲۷/۱؛ امین، ۱۴۰۳: ۸۹/۱؛ بلاغی، بی‌تا: ۱۸؛ موسوی عاملی، بی‌تا: ۳۲۶؛ خویی، ۱۴۰۱: ۲۳۳؛ معرفت، ۱۴۱۲: ۲۹۶-۲۸۸/۱؛ عاملی، بی‌تا: ۱۵۴-۱۶۸) و کم و بیش شبّهات و پرسشهایی درباره آن مطرح است. گرچه در این موضوع پژوهشهایی انجام گرفته، برخی از شبّهات و پرسشهای مربوط به آن همچنان نیازمند تحقیق و بررسی است. نظر به اینکه یکی از منابع بسیار ارزشمند برای تبیین ابعاد این موضوع احادیث می‌باشد، بایسته است با این رویکرد به بررسی آن پردازیم.

در این موضوع مسائل ذیل باید بررسی شود: ۱. مصحف علی علیه السلام چه ویژگیهایی داشت؟ ۲. آیا دیدگاه مشهور در ترتیب آیات و سوره‌های آن بر اساس نزول، صحیح است؟ ۳. جمع قرآن در مصحف مزبور چه مدت به طول انجامید؟ ۴. آیا این مصحف از صفحات نوشته شده با املائی پیامبر صلی الله علیه و آله تنظیم و تألیف شده بود یا اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام آن را از حافظه خود نگاشت؟ ۵. چرا مصحف مزبور از سوی ابوبکر و یارانش مورد پذیرش قرار نگرفت؟ ۶. مصحف علی علیه السلام چه شد و سرنوشت آن به کجا انجامید؟

مصحف علی علیه السلام در احادیث

اهمّ احادیث و روایات مربوط به مصحف علی علیه السلام در ذیل، بیان و سپس در پرتو آنها به پرسشها و شبّهات مربوط به این موضوع پاسخ داده می‌شود:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر مسندی برایم گذاشته و حقم شناخته شود مصحفی را که با املائی پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته‌ام عرضه خواهم کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳۲۰/۱).
۲. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای طلحه هر آیه‌ای که خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله نازل

فرمود با املائی رسول الله صلی الله علیه و آله نزد من است و هر حلال و حرام یا حد یا حکم و مطلبی که تا روز قیامت امت بدان نیازمند شود، با املائی رسول خدا و دست‌خط من نوشته شده است حتی تاوان خراش... طلحه عرض کرد: به من خبر دهید آنچه از قرآن و تأویل آن و دانش حلال و حرام در دست دارید پس از خود به که می‌سپارید؟ امام علیه السلام فرمود: به کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله مرا امر نمود که به او بسپارم، وصیّم و کسی که شایسته‌ترین مردم به [ولایت بر] مردم است پسرم حسن؛ سپس او آن را به پسرم حسین می‌سپارد، سپس به فرزندان حسین یکی پس از دیگری انتقال می‌یابد تا آنکه آخرین آنان بر حوض وارد شود. آنان با قرآنند و قرآن با آنان است و از ایشان جدا نمی‌گردد (ابن قیس کوفی، بی‌تا: ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۸۶: ۱۵۳-۱۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱/۸۹-۴۲).

۳. عبد خیر از علی علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: آنگاه که رسول خدا از دنیا رفت سوگند یاد کردم که ردا برنگیرم تا قرآن را گرد آورم پس ردایم را نهادم تا آنکه قرآن را گرد آوردم (اربلی، ۱۴۰۵: ۱۱۵/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۸۹).

۴. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود: کتاب خدا به طور کامل به آنان عرضه شد در حالی که تأویل، تنزیل، محکم، متشابه، ناسخ و منسوخ را در بر داشت و یک حرف از آن ساقط نشده بود نه الفی و نه لامی، پس چون نامه‌های اهل حق و باطل را که خداوند بیان داشته در آن دیدند و دانستند که اگر آن [مصحف] آشکار شود آنچه را آنان استوار ساخته‌اند فرو می‌ریزد، گفتند ما را نیازی به آن نیست و به آنچه داریم از آن بی‌نیازیم (طبرسی، ۱۳۸۶: ۳۸۳/۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹: ۴۷/۱).

۵. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی سه روز از خانه بیرون مرو تا آنکه کتاب خدا را تألیف و گردآوری کنی، پس علی علیه السلام ردا بر دوش نگرفت تا آنکه قرآن را جمع کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۲۴۹).

۶. امام باقر علیه السلام فرمود: آنگاه که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند خیمه‌هایی برای آموزش قرآن برپا می‌کند و قرآن را آن گونه که خدای متعال نازل فرموده تعلیم می‌دهد. در آن زمان یادگیری آن برای کسانی که حافظ قرآن باشند دشوارتر است؛ زیرا قرآنی که آن حضرت تعلیم می‌دهد با این قرآن از جهت نظم و ترتیب متفاوت

است (شیخ مفید، ۱۴۱۶: ۲/۳۸۶).

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: ... هنگامی که قائم [آل محمد صلی الله علیه و آله] قیام کند کتاب خدا را آن گونه که شایسته است قرائت می کند و مصحفی را که علی علیه السلام نوشته بیرون می آورد. حضرت در ادامه حدیث فرمود: علی علیه السلام هنگامی که از تألیف آن فراغت یافت آن را به مردم عرضه کرد و فرمود این کتاب خداست همان گونه که خداوند آن را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل فرمود، من آن را بین دو جلد تألیف نمودم، آنان گفتند: ما مصحف جامعی داریم که همه قرآن را در بر دارد و نیازی به مصحف تو نداریم. پس حضرت فرمود: آگاه باشید به خدا سوگند پس از این هرگز آن را نخواهید دید، همانا بر من لازم بود هنگامی که آن را تألیف کردم شما را از آن آگاه سازم تا آن را قرائت کنید (صفا، ۱۴۰۴: ۲۱۳؛ کلینی، ۱۴۰۱: ۲/۶۳۳).

۸. در اخبار اهل البیت علیهم السلام آمده است که علی علیه السلام سوگند یاد کرد که ردا بر دوش نگیرد جز برای نماز، تا آنکه قرآن را جمع کند. پس مدتی از آنان دوری گزید تا آن را گرد آورد، آنگاه نزد ایشان آمد و قرآن را در جامه‌ای به همراه آورد و ایشان در مسجد بودند، پس همه از آمدن او پس از مدتی کناره‌گیری در شگفتی شدند. چون به میان آنان رسید، کتاب را پیش آنان نهاد و فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است من در میان شما چیزی را جانشین خود می‌سازم که اگر به آن تمسک کنید گمراه نخواهید شد و آن کتاب خدا و عترت (اهل بیت) من است، اینک این کتاب است و من عترتم. پس عمر برخاست و گفت اگر تو قرآن داری ما نیز مانند آن را داریم، ما را به شما نیازی نیست. پس علی علیه السلام آن را برداشت و با خود بازگرداند بعد از آنکه حجت را بر ایشان تمام کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱/۳۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۵۲).

۹. از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی قرآن پشت بستر من در صحیفه‌ها، پارچه‌های حریر و کاغذهاست، آن را برگیرید و جمع آوری کنید و مانند یهود که تورات را ضایع کردند آن را ضایع نکنید. پس علی علیه السلام آن را در جامه‌ای زردرنگ پیچید و بر آن مهر زد و فرمود: ردا نمی‌پوشم تا آن را گرد آورم، از آن پس اگر کسی بر او وارد می‌شد، بدون ردا نزد او می‌رفت تا آنکه همه قرآن را گرد آورد (قمی، ۱۴۰۴: ۲/۴۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۴۸).

۱۰. ابوموسیٰ ضریر بجلی از امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدرش روایت نموده که فرمود: از پدرم پرسیدم: پس از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله به هوش آمد چه شد؟ فرمود: زنها در حالی که گریه می‌کردند بر او وارد شدند... آن حضرت به علی علیه السلام فرمود: آنگاه که از دنیا رفتیم و از انجام همه کارهایی که تو را بدان سفارش نمودم فارغ شدی و مرا در قبرم پنهان ساختی، در خانه‌ات بمان و قرآن را به شیوه‌ای که باید تألیف شود و فرائض و احکام را آن گونه که نازل شده جمع کن (سید رضی، ۱۴۰۶: ۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۴۸۳-۴۸۴).

روایات صحابه و تابعان

راجع به جمع قرآن توسط علی علیه السلام افزون بر احادیث امامان مکتب اهل البیت علیهم السلام روایاتی از غیر معصومان نیز در دست است که شماری از آنها را می‌آوریم:

الف. در روایت سلمان فارسی رضی الله عنه آمده است که ابوبکر کسی را نزد علی علیه السلام فرستاد و از آن حضرت خواست که برای بیعت کردن بیرون آید، حضرت به او پیام داد که من مشغول گردآوری قرآنم و سوگند یاد کرده‌ام که ردا نپوشم جز برای نماز تا آنکه قرآن را تألیف و جمع آوری کنم. سپس آنان مدتی آن حضرت را به حال خود گذاشتند تا آنکه قرآن را یک‌جا در پوششی گرد آورد و بر آن مهر زد، سپس به نزد مردم - که با ابوبکر در مسجد اجتماع نموده بودند- آمد و با صدای رسا فرمود: ای مردم من پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله به غسل [و تجهیز] آن حضرت مشغول شدم و سپس به قرآن پرداختم تا آنکه تمام آن را یک‌جا در این پوشش گرد آوردم، هیچ آیه‌ای خداوند بر پیامبرش نازل نفرمود جز اینکه آن را جمع آوری کردم و آیه‌ای از قرآن نیست جز اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله قرائت و تأویل آن را به من آموخت. سپس علی علیه السلام فرمود: فردا نگوئید ما از این غافل بودیم و در روز قیامت ادعا نکنید که من شما را به یاری خود فراخواندم و حقم را به شما یادآوری ننمودم و شما را به کتاب خدا از آغاز تا پایانش دعوت نکردم؛ عمر به آن حضرت گفت: با آنچه از قرآن نزد ماست از چیزی که ما را به سوی آن می‌خوانی کاملاً بی‌نیازیم (ابن قیس کوفی، بی‌تا: ۸۱-۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۴۰-۴۱).

ب. در روایت ابوذر غفاری آمده است: چون رسول خدا ﷺ از دنیا رفت علی علیه السلام طبق وصیت پیامبر ﷺ قرآن را جمع کرد و نزد مهاجر و انصار آورد و به آنان عرضه کرد، ابوبکر آن را گشود و رسواییهای قوم را در آن دید. عمر برخاست و گفت ای علی آن را بازگردان نیازی بدان نداریم. سپس علی علیه السلام آن را برداشت و رفت. پس از آن زید بن ثابت را که قاری قرآن بود آوردند، عمر به او گفت: علی قرآن را نزد ما آورد و رسواییهای مهاجران و انصار نیز در آن بود. رأی ما بر آن است که قرآن را خود گرد آوریم و آنچه از این گونه در آن است حذف کنیم،^۱ پس زید خواسته آنان را اجابت کرد (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲۲۵/۱-۲۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲/۸۹).

ج. ابورافع گوید: پیامبر ﷺ در بیماری ای که به وفاتش انجامید به علی فرمود: ای علی! این کتاب خداست آن را بردار و با خود ببر، پس علی علیه السلام آن را در پارچه‌ای پیچید و به خانه برد و پس از وفات پیامبر ﷺ آن را چنان که خداوند نازل فرموده تألیف کرد و او نسبت به آن عالم بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳۱۹/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱/۸۹-۵۲).

د. ابن ندیم می‌نویسد: علی علیه السلام پس از وفات پیامبر ﷺ از مردم بی‌وفایی دید، پس سوگند یاد کرد که عبا بر دوش نگیرد تا قرآن را گرد آورد. پس سه روز در خانه نشست تا آن را فراهم آورد و این نخستین مصحف است که آن را از سینه خود نوشت (ابن ندیم، ۱۴۱۵: ۴۵-۴۶).

ه. در روایت محمد بن سیرین از عکرمة از واقعه جمع قرآن توسط علی علیه السلام در آغاز خلافت ابوبکر یاد شده و در بخشی از آن چنین آمده است: «لو اجتمعت الإنس والجنّ علی أن یؤلفوه ذلك التألیف ما استطاعوا»؛ اگر جن و انس گرد آیند تا قرآن را آن گونه [مانند تألیف علی علیه السلام] تألیف کنند نمی‌توانند.

در ادامه روایت مزبور، ابن سیرین می‌گوید: در جستجوی آن کتاب برآمدم و در مورد آن به مدینه نامه نوشتم، ولی بر آن دست نیافتم (سیوطی، بی‌تا: ۲۰۴/۱).

۱. مقصود، حذف تفسیر، تأویل و شأن نزول آیات بود.

ابن سعد در طبقات می‌نویسد: محمد بن سیرین گفت: خبر یافتم که علی از بیعت ابوبکر تأخیر نمود، پس ابوبکر با او ملاقات کرد و گفت: آیا از زمامداری من ناخشنودی؟ فرمود: ... سوگند یاد کرده‌ام که جز برای نماز ردا بر دوش نیفکنم تا قرآن را گرد آورم.... محمد بن سیرین گوید: اگر آن کتاب به دست آید در آن دانشی است (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۳۳۸).

ابن جزری کلبی می‌نویسد: «آنگاه که رسول خدا از دنیا رفت، علی بن ابی‌طالب در خانه نشست و آن را به ترتیب نزول جمع آوری کرد، اگر مصحف او یافته می‌شد در آن دانش بسیاری بود ولی یافته نشد» (کلبی، بی‌تا: ۱۲).

ویژگیهای مصحف علی علیه السلام

بیشتر کسانی که مصحف امام علی علیه السلام را توصیف کرده‌اند چنان که در روایات صحابه و تابعان دیدید با اندکی تفاوت ویژگیهای ذیل را که در برخی از احادیث نیز آمده برای آن آورده‌اند:

۱. داشتن نص دقیق کلیه آیات بدون هیچ تغییر و کاستی و بدون غلط املائی.
۲. داشتن سبب نزول، تفسیر و تأویل کامل آیات که از سوی خداوند در تبیین آیات به پیامبر ﷺ وحی شده بود.
۳. مشخص نمودن آیات ناسخ و منسوخ.
۴. مشخص نمودن مشابهات و محکّمات و بیان تأویل مشابهات.

ویژگیهای یادشده از دو حدیث ذیل استفاده می‌شود: عن علی علیه السلام: «ولقد أحضروا الكتاب كَمَلًا مشتملاً علی التّأویل والتّنزیل والمحمک والمتشابه والناسخ والمنسوخ، لم یسقط منه حرف ألف ولا لام فلما وقفوا علی ما بیّنه الله من أسماء أهل الحقّ والباطل وأنّ ذلك إن ظهر نقض ما عقده قالوا لا حاجة لنا فیہ نحن مستغنون عنه بما عندنا» (طبرسی، ۱۳۸۶: ۳۸۳/۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹: ۴۷/۱).

قال أمير المؤمنين علیه السلام: «یا طلحة إنّ کلّ آية أنزلها الله علی محمد صلی الله علیه و آله عندی یاملاء رسول الله صلی الله علیه و آله وکلّ حلال أو حرام أو حدّ أو حکم أو شیء تحتاج إليه الأمة إلی یوم القيامة عندی مکتوب یاملاء رسول الله صلی الله علیه و آله وخطّ یدی حتّی أرش الخدش...» (ابن قیس کوفی، بی‌تا: ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۸۶: ۱۵۳-۱۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱/۸۹-۴۲).

چگونگی ترتیب آیات و سوره‌ها در مصحف علی‌علیه‌السلام

گفته می‌شود مصحف علی‌علیه‌السلام به ترتیب نزول تألیف شده است. شیخ مفید می‌نویسد: «امیر مؤمنان علی‌علیه‌السلام قرآن را از آغاز تا پایان گرد آورد و آن گونه که می‌بایست تألیف نمود. پس آیه‌های مکی را پیش از آیه‌های مدنی و آیه‌های ناسخ را پیش از آیه‌های منسوخ نوشت و هر چیزی را در جای خود قرار داد» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۷۹).

چنان که دیدید در احادیث مربوط به جمع قرآن توسط علی‌علیه‌السلام از چنین ترتیبی سخن به میان نیامده است جز روایت شیخ مفید رحمته‌الله از امام باقر علیه‌السلام راجع به تعلیم قرآن در عصر ظهور امام مهدی علیه‌السلام نقل کرده که می‌تواند اشاره به ترتیب مزبور باشد: عن أبي جعفر الباقر علیه‌السلام أنه قال: «إذا قام قائم آل محمد علیه‌السلام ضرب فساطيط لمن يعلم الناس القرآن علي ما أنزل الله جلّ جلاله فأصعب ما يكون علي من حفظه اليوم، لأنه يخالف فيه التأليف» (شیخ مفید، ۱۴۱۶: ۳۸۶/۲).

بر اساس حدیث دوم، ششم و هفتم از احادیثی که راجع به مصحف علی‌علیه‌السلام آوردیم، مصحف امیرالمؤمنین علیه‌السلام اکنون نزد فرزندش امام عصر علیه‌السلام می‌باشد و طبق حدیث ششم که شیخ مفید از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده، حضرت مهدی علیه‌السلام پس از ظهور، قرآن را آن چنان که نازل شده به مردم می‌آموزد و یادگیری آن، در آن هنگام برای حافظان قرآن، از دیگران دشوارتر است؛ زیرا قرآنی را که آن حضرت می‌آورد با قرآن کنونی از حیث نظم و تألیف تفاوت دارد.

از حدیث یادشده استفاده می‌شود که مصحف علی‌علیه‌السلام از حیث ترتیب سوره‌ها و ترتیب آیات با مصحف کنونی متفاوت است؛ زیرا اگر صرفاً از حیث ترتیب سوره‌ها متفاوت بود، یادگیری آن برای حافظان قرآن دشواری‌ای نداشت.

روایت یادشده مرسل است و جز کتاب ارشاد شیخ مفید در هیچ یک از منابع پیشین دیده نمی‌شود؛ احتمال می‌رود، عبارت پایانی این روایت: «فأصعب ما يكون علي من حفظه اليوم، لأنه يخالف فيه التأليف» سخن شیخ مفید یا یکی از راویان حدیث مزبور باشد که برای توضیح به پایان آن اضافه شده است.

این حدیث افزون بر ضعف سندی و شدوذ، به لحاظ محتوایی نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا وحیانی بودن نظم آیات در مصاحف رایج، با دلایل قاطع اثبات می‌شود؛ لذا ادعای تفاوت نظم آیات در مصحف علی‌علیه‌السلام با مصحف کنونی (که از صدر اسلام تا کنون در بین مسلمانان رایج است) مردود است.

دلایل نقلی وحیانی بودن نظم آیات در سوره‌ها (در مصاحف رایج) را در مقاله «نگاهی نو به جمع قرآن» (ر.ک: ناصحیان، ۱۳۸۷: ۵۶-۲۹/۳۰) آوردیم، افزون بر آن، دلایل عقلی ذیل نیز آن را تأیید می‌کند:

۱. معجزه بودن قرآن کریم برای همه عصرها و نسلها از جهت بیانی مرهون چینش دقیق و حساب شده آیات در سوره‌هاست و هر سوره دارای هدف هدایتی ویژه‌ای است که آیات آن، در راستای هدف مزبور ترتیب یافته است. ادعای دخالت صحابه در نظم آیات برخی از سوره‌ها در مصاحف رایج، به معنای مخدوش شدن نص قرآن و اعجاز آن است. بدیهی است که چنین مطلبی باطل است، در نتیجه مقدمه آن (دخالت داشتن صحابه در نظم برخی آیات) نیز باطل است.

۲. درباره ترتیب آیات در سوره‌ها یکی از دو احتمال ذیل متصور است:
الف. خدای متعال درباره نظم آیات در سوره‌ها دستوری نداشته باشد و هر کس مجاز باشد بر اساس ذوق و سلیقه خود آیات را در سوره‌ها ترتیب دهد.

باطل بودن این احتمال روشن است؛ زیرا هدفمندی و پیام‌داری هر سخن متقن و استوار، افزون بر انتخاب دقیق واژه‌ها مبتنی بر چینش منطقی و حساب شده جمله‌هاست؛ با توجه به این مطلب بدیهی است که آیات و جمله‌ها، در کلام حکیمانه خدای متعال نمی‌تواند بی‌نظم و ترتیب باشد.

ب. ترتیب آیات در سوره‌ها توقیفی و بر اساس وحی باشد. بی‌گمان احتمال صحیح و قابل قبول همین است. اکنون درباره مصحف کنونی که از صدر اسلام تا کنون در بین مسلمانان رایج بوده این سؤال مطرح می‌شود که آیا ترتیب آیات در این مصحف به طور کلی همان ترتیب وحیانی است یا اینکه ترتیب شماری از آیات، حاصل اجتهاد صحابه است؟ احتمال دوم قابل قبول نیست؛ زیرا با وجود حافظان و قراء بسیار در میان صحابه که ترتیب صحیح آیات را از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آموخته

بودند، کسی جرأت و توان چنین کاری را نداشت. همچنین پذیرش احتمال دوم مستلزم پذیرش تحریف قرآن است و آن به حکم آیه حفظ، حدیث متواتر ثقلین، احادیث عرض بر کتاب و حکم عقل باطل است. بنابراین احتمال صحیح همان احتمال اول است.

با وجود این حقیقت که ترتیب آیات در سوره‌ها در مصاحف رایج، وحیانی است و به فرمان پیامبر ﷺ صورت گرفته، چگونه ممکن است علی‌الشیء آیات قرآن را بر خلاف دستور خدا ترتیب دهد؟

اگر مقصود از ترتیب بر اساس نزول، ترتیب سوره‌ها باشد، در این صورت نیز روایتی که شیخ مفید نقل کرده نادرست به نظر می‌رسد؛ زیرا بدیهی است که صرف اختلاف در ترتیب سوره‌ها سبب دشواری قرائت و حفظ برای حافظان قرآن نمی‌شود.

ممکن است برخی در اثبات ادعای یادشده به عبارت «کما أنزل الله» در حدیث ذیل تمسک کنند: «... وما جمعه وما حفظه كما أنزل الله إلا علی بن ابي طالب والأئمة من بعده»؛ ولی این عبارت ظهور در ادعای یادشده ندارد بلکه به معنای آن است که مصحف علی از تمام جهات مطابق با قرآنی بود که خدای متعال بر پیامبر ﷺ نازل کرد و خطای املائی هم نداشت؛ لذا رد آن از سوی هیئت حاکمه، دلیل قابل قبولی نداشت و آنچه آنان را به رد مصحف یادشده واداشت، وجود تفسیر و تأویل و سبب نزول آیات در آن بود، نه کاستی و زیادتى یا تغییر و تبدیل.

حتی بر فرض ظهور عبارت یادشده در اینکه نظم سوره‌ها در مصحف مزبور بر خلاف نظم مصاحف مسلمانان بوده، از این ظهور باید صرف نظر کرد؛ زیرا دلایل ذیل اثبات می‌کند که نظم سوره‌ها در مصاحف رایج، مانند نظم آیات وحیانی و مستند به بیان پیامبر ﷺ است.

دلایل وحیانی بودن نظم کنونی سوره‌ها

از برخی شواهد عقلی و نیز از شماری احادیث که راجع به فضیلت ختم قرآن رسیده، استفاده می‌شود که منشأ نظم کنونی سوره‌ها در مصاحف فعلی توصیه و اشاره

پیامبر ﷺ بوده و عامل نظم آن وحی است. با وجود شواهد مزبور که در ادامه بحث خواهید دید، دیدگاه مشهور درباره ترتیب مصحف علی‌الشیء نادرست به نظر می‌رسد.

احادیث ختم قرآن

احادیث ذیل حاکی از آن است که قرآن کریم در عهد پیامبر ﷺ دارای آغاز و پایان مشخصی بوده و سوره‌های آن ترتیب ویژه‌ای داشته است.

۱. عن ابي قلابه يرفعه إلى النبي ﷺ قال: «من شهد فاتحة الكتاب حين يستفتح كان كمن شهد فتحاً في سبيل الله ومن شهد حتى يختم كان كمن شهد الغنائم حتى تقسم» (سیوطی، ۱۳۶۵: ۶/۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۵۴۲/۱).

کسی که به هنگام آغاز کردن قرآن شاهد «فاتحة الكتاب» باشد [و با تلاوت آن قرآن را آغاز کند] مانند کسی است که در یکی از فتوحات در راه خدا حاضر شود و کسی که به تلاوت قرآن ادامه دهد تا آنکه شاهد ختم آن گردد، مانند کسی است که [در جهاد] به هنگام گرفتن غنایم حاضر باشد تا آنکه تقسیم شود.

۲. قرأ ابن عباس على أبي، فلما ختم ابن عباس، قال: «استفتح بالحمد وخمس آيات من البقرة، هكذا قال لي النبي ﷺ حين ختمت عليه» (ابن جزری، بی تا: ۴۴۱).

ابن عباس بر اُبی [بن کعب] قرائت نمود، پس هنگامی که ابن عباس قرآن را ختم کرد، اُبی به او گفت: قرآن را [دوباره] با قرائت حمد و پنج آیه از بقره آغاز کن؛ [و سپس افزود] هنگامی که من قرآن را [در محضر پیامبر ﷺ] ختم کردم، رسول خدا ﷺ به من چنین گفت.

۳. عن ابن عباس عن أبي بن كعب عن النبي ﷺ ... أنه إذا قرأ «قل أعوذ برب الناس» افتتح من الحمد ثم قرأ من البقرة إلى «وأولئك هم الفلحون» (همان: ۴۴۴؛ سیوطی، بی تا: ۲۹۵/۱).

بر اساس روایت ابن عباس از اُبی بن کعب، هنگامی که پیامبر ﷺ قرائت سوره ناس را به پایان می‌رساند از سوره حمد آغاز می‌کرد و سپس آیتى از سوره بقره را تا «وأولئك هم الفلحون» می‌خواند.

۴. عن ابن عباس: أن رجلاً قال: يا رسول الله! أى الأعمال أفضل؟ قال: «الحال المرتحل، قال: يا رسول الله! وما الحال والمرتحل؟ قال: يضرب من أول القرآن إلى

آخره ومن آخره إلى أوله» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۷۵۷/۱).

ابن عباس گوید: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! بهترین اعمال چیست؟ فرمود: «فرودآینده کوچ کننده». عرض کرد: «فرودآینده کوچ کننده» چیست؟ فرمود: کسی است که [تلاوت] قرآن را از ابتدا آغاز کند و به پایان رساند و دوباره [برای قرائت مجدد] از انتهای قرآن به ابتدای آن برگردد. حدیث یادشده با اندکی تفاوت در لفظ به روایت امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است (شیخ صدوق، ۱۳۶۸: ۱۰۲).

احادیث یادشده حاکی از آن است که قرآن کریم حداقل در سالهای آخر حیات پیامبر صلی الله علیه و آله دارای آغاز و پایان مشخصی بوده است، در غیر این صورت تعبیر «أول القرآن» و «آخره» در حدیث چهارم صحیح نبود؛ زیرا اگر سوره‌های قرآن در عهد پیامبر پراکنده و بدون نظم و ترتیب بود، در آن صورت آغاز و پایان مشخصی نداشت، تا گفته شود بهترین عمل این است که از ابتدای قرآن تلاوت را آغاز کنیم و به انتهای قرآن ختم کنیم، افزون بر این در حدیث اول عبارت «من شهد فاتحة الكتاب حين يستفتح» آمده است و این تعبیر گویای آن است که در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله مصاحف به ترتیب کنونی با فاتحة الكتاب آغاز می شده‌اند. حدیث دوم و سوم این مطلب را با وضوح بیشتری روشن می سازد، زیرا ظاهر دو حدیث مزبور گویای آن است که در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله اولین سوره در مصاحف فاتحة الكتاب و دومین سوره بقره بوده است، و ظاهر حدیث سوم حاکی از آن است که سوره ناس آخرین سوره بوده است.

روایت ذیل نیز مؤید حقیقت یادشده است: «اوس بن حذیفه می گوید: من در میان گروهی از بنی مالک بودم که اسلام آورده و به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند. ما در خیمه‌ای جای داده شدیم و پیامبر صلی الله علیه و آله همه‌روزه در بازگشت از مسجد و پیش از رفتن به خانه نزد ما می آمد. او شبها پس از نماز عشا نزد ما می ماند و از رفتاری که قوم وی در مکه و پس از مهاجرت به مدینه با او داشتند، سخن می گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله شبی دیرتر از وقت همیشگی نزد ما آمد. علت تأخیر را از حضرتش پرسیدیم، فرمود: حزبی از قرآن [که هر شب تلاوت می کردم] باقی مانده بود، خواستم آن را

به پایان برسانم، آنگاه از مسجد بیرون آمیم. صبح روز بعد از اصحاب رسول خدا پرسیدیم چگونه قرآن را حزب بندی می کنید؟ گفتند: آن را به شش سوره، پنج سوره، هفت سوره، نه سوره، یازده سوره، سیزده سوره تقسیم بندی می کنیم و حزب مفضلات (سوره‌های کوتاه که آیه‌های کوتاه دارند) از سوره ق تا پایان قرآن است» (ابن حنبل، بی تا: ۳۴۳/۴). این روایت دلالت می کند که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن کریم دارای نظم کنونی بوده است؛ زیرا طبق آن، بخش سوره‌های مفصل از سوره «ق» تا آخر قرآن می باشد؛ بنابراین در آن هنگام قرآن آغاز و پایانی داشته و سوره‌های مفصل (سوره‌های کوتاه) در بخش پایانی آن قرار داشته‌اند، چنان که اکنون نیز چنین است.

حدیث نبوی درباره بخشهای قرآن

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که شیعه و اهل سنت از آن حضرت نقل کرده‌اند، عناوینی برای هر مجموعه از سوره‌های قرآن یاد می کند که به طور اجمالی با ترتیب کنونی سوره‌ها هماهنگ می باشد:

روایت کلینی: عن سعد الإسكاف قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أعطيت السور الطوال مكان التوراة وأعطيت المثین مكان الإنجيل وأعطيت المثانی مكان الزبور وفضلت بالمفصل... (کلینی، ۱۴۰۱: ۶۰۱/۲).

روایت احمد بن حنبل: عن واثلة بن الأسقع: أن النبي صلی الله علیه و آله قال أعطيت مكان التوراة السبع الطوال وأعطيت مكان الزبور المثین وأعطيت مكان الإنجيل المثانی وفضلت بالمفصل (ابن حنبل، المسند: ۱۰۷/۴).

بخشهای «سبع طوال» (هفت سوره طولانی آغاز قرآن) و عناوین بعدی، به ترتیب از ابتدای قرآن آغاز می شود و به آخر قرآن منتهی می گردد و مقصود از «مفصل» سوره‌های بخش پایانی قرآن کریم است که کوتاهتر از سوره‌های بخشهای پیشین هستند و غالباً آیات کوتاه دارند. این ترتیب در ذکر مجموعه‌های یادشده اجمالاً با نظم کنونی سوره‌های قرآن هماهنگ است. این مطلب شاهی است بر اینکه نظم کنونی سوره‌ها در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله سامان یافته است.

عنوان فاتحه الكتاب در احادیث نبوی

قرینه و شاهد دیگری که از توقیفی بودن نظم سوره‌ها حکایت دارد، عنوان فاتحه کتاب برای سوره حمد است؛ این عنوان در شماری از احادیث نبوی به کار رفته است. عنوان مزبور دلالت می‌کند که در عهد پیامبر ﷺ سوره‌های قرآن ترتیب کنونی را داشته‌اند و پیامبر ﷺ از طریق وحی، نظم سوره‌ها را به مردم ابلاغ نموده است؛ در غیر این صورت عنوان فاتحه کتاب مناسبتی با سوره حمد نداشت. ممکن است گفته شود وجه تسمیه این سوره به فاتحه کتاب از آن جهت است که اولین سوره کاملی است که بر پیامبر ﷺ نازل گردیده است. این مطلب پذیرفتنی نیست؛ زیرا می‌دانیم که نزول قرآن کریم بالاتفاق با آیاتی از اول سوره علق آغاز شد و با نزول آیاتی از سایر سوره‌ها ادامه یافت. بنابراین نزول کامل سوره حمد پس از نزول چندین آیه از سوره‌های دیگر مناسبتی با عنوان «فاتحه کتاب» ندارد به ویژه که بر اساس حدیث امام باقر علیه السلام نخستین سوره‌ای که به طور کامل پس از سوره علق نازل شده سوره «ضحی» بوده است نه سوره حمد: عن أبي الجارود عن الباقر علیه السلام: ... و أنه كانت أول سورة نزلت: «اقرأ باسم ربك الذي خلق» ثم أبطأ عليه، فقالت خديجة: لعل ربك قد تركك فلا يرسل إليك فأنزل الله تبارك وتعالى: «ما ودع ربك وما قلى» (قمی، ۱۴۰۴: ۴۲۸/۲). با توجه به اینکه آیات این سوره به لحاظ محتوا به هم پیوسته است طبعاً باید یک‌جا نازل شده باشد.

از آنجا که روشن شد که وجه تسمیه سوره حمد به فاتحه کتاب بدان جهت است که این سوره نخستین سوره‌ای است که کتاب الله و مصحف شریف با آن آغاز می‌شود. اکنون شماری از احادیث نبوی را که در آنها از سوره حمد با عنوان فاتحه کتاب یاد شده می‌آوریم:

۱. عن رسول الله ﷺ قال: «هي أم الكتاب وهي فاتحة الكتاب وهي السبع المثاني» (سیوطی، بی تا: ۱۸۷/۱-۱۸۸؛ بیهقی، ۱۴۱۳: ۴۵/۲).
۲. قال رسول الله ﷺ: «إذا وضعت جنبك على الفراش وقرأت فاتحة الكتاب وقل هو الله أحد فقد أمنت من كل شيء إلا الموت» (ابن کثیر، ۱۴۰۲: ۱۲/۱).
۳. قال النبي ﷺ: «أُعطيَت فاتحة الكتاب من تحت العرش» (بیهقی، ۱۴۱۳: ۱۰/۱۰؛

حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۷۴۶/۱).

۴. عن رسول الله ﷺ قال: «السبع المثاني فاتحة الكتاب» (سیوطی، ۱۴۰۱: ۶۶/۱).
۵. عن أمير المؤمنين علیه السلام قال سمعت رسول الله ﷺ يقول: «إن الله تعالى قال لي: يا محمد ولقد آتيناك سبعاً من المثاني والقرآن العظيم فأفرد الامتنان عليّ بفاتحة الكتاب وجعلها يازاء القرآن العظيم» (شیخ صدوق، ۱۴۱۷: ۲۴۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹: ۱۲۰/۳).
۶. عن رسول الله ﷺ قال: «ما أنزل الله عز وجل في القرآن سورة مثل فاتحة الكتاب...» (مقاتل، ۱۴۲۳: ۲۸/۱).

حکم عقل

با توجه به اهمیت بسیار وحدت و هماهنگی مسلمانان و اهتمام رسول خدا ﷺ به این امر، عقل حکم می‌کند که کتاب الله که محور وحدت و هماهنگی مسلمانان است باید شکل و ترتیب واحدی داشته باشد چه اینکه تفاوت و اختلاف مصاحف به لحاظ ترتیب سوره‌ها به هنگام تعلیم و تعلم و غیر آن، موجب نوعی ناهماهنگی و بی‌نظمی می‌گردد. اینکه سوره‌های قرآن نظم خاص خود را داشته باشد به لحاظ وحدت و هماهنگی مسلمانان و آسانی تعلیم و تعلم آن، امری راجح است. به یقین خدای متعال درباره کتاب خود راجح و افضل را برمی‌گزیند نه مرجوح را.

این مؤید عقلی با روایات نزول دفعی قرآن کریم به بیت المعمور نیز تأیید می‌گردد؛ زیرا طبق این روایات مجموع سوره‌های قرآن کریم پیش از مرحله نزول تدریجی، در شب قدر به مکان مقدسی به نام بیت المعمور (در آسمان چهارم) نازل شده است. طبعاً این مجموعه نظم الهی داشته که رسول خدا ﷺ در مرحله نزول تدریجی و تألیف مصاحف از آن پیروی نموده است.

قرآن کریم که از آن در احادیث با عنوان کتاب الله یاد می‌شود همان طور که بین آیاتش نظم منطقی وجود دارد، بین سوره‌های آن که به منزله فصلهای این کتاب الهی است نیز ترتیب منطقی وجود دارد؛ زیرا به یقین ترتیب خاصی در

۱. رد شبهات مربوط به نزول دفعی قرآن به بیت المعمور را در مقاله «نزول دفعی قرآن؛ شبهات و پاسخها» آورده‌ایم (ر.ک: ناصحیان، ۱۳۸۴: ش ۹۸-۷۱/۱۷).

چینش سوره‌ها بر سایر اقسام متصور رجحان دارد و نمی‌توان گفت در بین اقسام گوناگونی که در چینش سوره‌ها متصور است همه یکسان است و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد. با پذیرش این مطلب، انتخاب نشدن چینش برتر برای سوره‌ها از سوی خدای متعال خلاف حکمت است و از خدای حکیم صادر نمی‌شود. ادعای عدم نظم و ترتیب بین سوره‌های قرآن به معنای آن است که بگوییم خدای حکیم کتابی برای هدایت بشر فرو فرستاده است که بین بخشهای آن هیچ گونه نظم و ترتیب منطقی وجود ندارد.

مصاحف موجود در بین مسلمانان که همه دارای نظم یکسانی هستند نیز مؤید شواهد یادشده است؛ زیرا در صورتی که پیامبر ﷺ مؤمنان را در شیوه چینش سوره‌ها آزاد گذاشته بود مصاحفی با نظم متفاوت در جامعه اسلامی رواج می‌یافت؛ ولی چینش سوره‌ها در مصاحف رایج از صدر اسلام تا کنون به گونه واحدی است.^۱ دیدگاه مخالف افزون بر اینکه دلیل قابل قبولی ندارد با واقعیت خارجی (وحدت مصاحف موجود) نیز ناسازگار است.

از آنچه بیان شد به این نتیجه می‌رسیم که شهرت مصحف علی علیه السلام به اینکه آیات و سوره‌های آن بر اساس نزول تألیف شده، از مشهورات بی‌دلیل است؛ زیرا با وجود دلایل عقلی و نقلی معتبر بر وحیانی بودن نظم آیات و سوره‌ها در مصاحف رایج، چگونه ممکن است علی علیه السلام بر خلاف آن عمل کند.

مدت جمع مصحف علی علیه السلام

برخی گفته‌اند مدت جمع قرآن توسط علی علیه السلام شش ماه به طول انجامیده است، این قول بر اساس کلامی است که از ابن عباس نقل کرده‌اند: «جمع الله القرآن فی قلب علی وجمعه علی بعد موت رسول الله ﷺ بستة أشهر» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۴۰/۲-۴۱). صدور این کلام از ابن عباس مورد تردید است؛ و بر فرض صدور قابل قبول نیست؛ به ویژه که مخالف احادیث ذیل است:

۱. گزارش از ترتیب متفاوت سوره‌ها در مصاحف برخی از صحابه، خبر واحدی است که اثبات نشده است.

۱. طبق حدیث اول و دوم از احادیث ده گانه آغاز بحث، مصحف علی علیه السلام با املائی رسول خدا و دست‌خط علی علیه السلام نگاشته شد، ولی ظاهر کلام منسوب به ابن عباس گویای آن است که علی علیه السلام مصحف مزبور را در مدت شش ماه با اتکا به محفوظات خود نوشته است.

۲. حدیث نهم از احادیث یادشده گویای آن است که علی علیه السلام از صفحات مکتوب قرآن که در پشت بستر رسول خدا ﷺ بود قرآن را جمع و تألیف کرد،^۱ ظاهر کلام منسوب به ابن عباس با این خصوصیت نیز مخالف است.

۳. برخی از احادیث که خواهیم آورد گویای آن است که جمع قرآن توسط علی علیه السلام طی مدت سه روز انجام گرفته است در حالی که سخن منسوب به ابن عباس مدت مزبور را شش ماه شمرده است.

بنابراین دیدگاهی که مدت جمع قرآن توسط علی علیه السلام را شش ماه دانسته قابل پذیرش نیست. اما آنچه صحیح به نظر می‌رسد و شماری از احادیث آن را تأیید می‌کند این است که علی علیه السلام در مدت حدود سه روز جمع و تألیف قرآن را به پایان رسانده است. احادیث مزبور عبارتند از: ۱. روایت امام باقر علیه السلام از پیامبر ﷺ: «... یا علی لا تخرج ثلاثة أيام حتى تؤلف القرآن» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۲۴۹).

این حدیث حاکی از آن است که کار علی علیه السلام صرفاً این بوده است که صفحات مکتوب را به ترتیب ویژه‌ای که رسول خدا ﷺ توصیه نموده بود مرتب و تألیف کند، در غیر این صورت این کار یقیناً بیش از سه روز طول می‌کشید.

۲. روایت عبد خیر از علی علیه السلام: «... فأقسم أن لا يضع رداءه حتى يجمع القرآن، فجلس في بيته ثلاثة أيام حتى جمع القرآن» (ابن ندیم، ۱۴۱۵: ۴۵).

۳. روایت امام باقر علیه السلام: عن أبي جعفر الباقر علیه السلام عن أبيه عن جدّه علیه السلام: «قال أمير المؤمنين علیه السلام في خطبة خطبها بعد موت النبي ﷺ بسبعة أيام وذلك حين فرغ من جمع القرآن...» (شیخ صدوق، بی‌تا: ۷۳). گرچه در این حدیث به مدت جمع قرآن توسط

۱. این حدیث با احادیثی که می‌گوید مصحف علی علیه السلام با املائی پیامبر ﷺ و دست‌خط علی علیه السلام نوشته شده منافات ندارد؛ زیرا قرآن مکتوبی که در پشت بستر پیامبر بود، می‌تواند همان قرآنی باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام املا نمود.

علی علیه السلام تصریح نشده ولی با توجه به اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله روز دوشنبه از دنیا رفت و در روز سه‌شنبه یا شب چهارشنبه دفن شد (ر.ک: ابن خیاط العصفری، بی‌تا: ۵۸؛ طبری، بی‌تا: ۲۱۷/۳؛ العینی، بی‌تا: ۲۴۴/۸)، و امیرالمؤمنین علیه السلام در این مدت جز به امر تجهیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از آن یادآوری فرمان رسول خدا در غدیر و غیر آن به صحابه و اتمام حجت، به کار دیگری نپرداخت. اگر آن حضرت پس از گذشت سه روز از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به جمع قرآن اقدام نموده باشد، فراغت آن حضرت از جمع قرآن و ایراد خطبه در روز هفتم، به این معناست که مدت جمع قرآن سه روز بوده است. به هر حال قراین و شواهد گویای آن است که مدت مزبور بسیار کوتاه بوده چه اینکه بر اساس حدیث اول و دوم از احادیث یادشده در آغاز بحث، مصحفی را که علی علیه السلام جمع‌آوری کرد، با دست‌خط خود ایشان و املائی پیامبر صلی الله علیه و آله در گذشته نوشته شده بود و صرفاً علی علیه السلام صفحات مزبور را نظم و ترتیب داد و به صورت مصحف درآورد، تعبیر آن حضرت به روشنی گویای حقیقت یادشده است، می‌فرماید: «لو تئی لی الوسادة وعرف لی حقی أخرجت لهم مصحفاً کتبتہ وأملاه علی رسول الله صلی الله علیه و آله». در این صورت بدیهی است که تنظیم صفحات کار چندانی نمی‌برد و وقت زیادی را نمی‌گرفت.

اهمیت مصحف علی علیه السلام

چنان که در مقاله «نگاهی نو به جمع قرآن» آوردیم، جمع و تألیف آیات و سوره‌های قرآن کریم در حال حیات پیامبر صلی الله علیه و آله انجام گرفت و مصحفهای فراوانی که سوره‌ها در آنها ترتیب یافته بود، تألیف شد. رواج و تکثیر نسخه‌های متعدد مصاحف، در فراگیری الفاظ و عبارات قرآن و جلوگیری از خطر تحریف بسیار مؤثر بود. ولی اهتمام رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها به تعلیم و ترویج الفاظ قرآن کریم مصروف نمی‌شد؛ بلکه چنان که رسالت آن حضرت اقتضا می‌کرد و سیره عملی ایشان نشان می‌دهد، آن حضرت معانی و پیامهای قرآن را نیز به امت تعلیم می‌داد: ﴿هو الذی بعث فی الأمتین رسولاً منهم یتلو علیهم آیاته ویزکیهم وبعلمهم الکتاب والحکمة وإن کانوا من قبل لقی ضلال مبین﴾ (جمعه/ ۲).

ابوعبدالرحمن سلمی از برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آنان هنگامی که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله به فراگرفتن ده آیه از قرآن مشغول می‌شدند تا زمانی که آنچه در آن آیات از دانش و عمل بود یاد نمی‌گرفتند ده آیه بعدی را آغاز نمی‌کردند (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۳۴۷/۲). به سبب اهتمام فراوان پیامبر صلی الله علیه و آله به تعلیم نص قرآن همراه با تفسیر و تأویل آیات، در بسیاری از مصاحف در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله کم و بیش نکات تفسیری ثبت شده بود.^۱ ولی هیچ کدام از مصاحف مزبور کلیه بیانات الهی را که از طریق وحی در تبیین آیات و جنبه‌های گوناگون قرآن رسیده بود در بر نمی‌گرفت؛ لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن کریم را با تفسیر و تأویل کامل آن، به علی علیه السلام که امام و مرجع امت پس از ایشان بود، املا فرمود. صفحات این نسخه منحصر به فرد، در بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله نگهداری می‌شد تا آنکه آن حضرت در روزهای پایانی عمر خود به علی علیه السلام توصیه فرمود آن را با خود ببرد و صفحات آن را سامان دهد.^۲ مصحفی که از آن نسخه تألیف شد، به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام قرآنی بود که تنزیل، تأویل، محکم، متشابه، ناسخ و منسوخ را در بر داشت و یک حرف از آن ساقط نشده بود (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۳۹۹: ۴۷/۱). این جمله امام علیه السلام که می‌فرماید: «یک حرف از آن ساقط نشده بود» ناظر به مصاحفی است که تأویل و تفسیر کامل همه آیات را که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده بود در بر نمی‌گرفت و در برخی از آنها کاستیهای تفسیری یا خطاهای املائی وجود داشت.

مصحف علی علیه السلام مورد اهتمام بسیار پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا آنچه از معارف الهی که به پیامبر وحی شده بود و می‌بایست به امت ابلاغ شود، با نظارت و املائی رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن مصحف نوشته شده بود. به حکم آیه شریفه ﴿ثم إن علينا بیانہ﴾ (قیامت/ ۱۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله تفسیر آیات را از طریق وحی دریافت می‌نمود و موظف به ابلاغ آن به امت بود. گرچه تفسیر آیات که از طریق وحی دریافت شده بود، «قرآن» نبود و احکام نص قرآن همچون اعجاز و تواتر را نداشت؛ ولی امت برای آگاهی تفصیلی از قرآن کریم نیازمند آن بودند.

۱. در ادامه بحث شواهدی بر این مطلب خواهد آمد.

۲. دلیل نکات یادشده، روایاتی است که در بخش پیشین یاد شد.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که: هیچ کس به جز علی بن ابی طالب قرآن را آنچنان که نازل شده، جمع نکرده است و کسی به جز آن حضرت اگر چنین ادعایی داشته باشد دروغگوست (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴: ۲۱۳). اگر این حدیث از امام باقر علیه السلام صادر شده باشد، به نظر می‌رسد ناظر به وحی تفسیری است که تنها در مصحف علی علیه السلام به طور کامل نوشته شده بود و در سایر مصاحف وجود نداشت.

پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام قرآن یادشده را تألیف نمود و بر مردم عرضه کرد؛ ولی از سوی حاکمان وقت پذیرفته نشد. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرآنی را که به علی علیه السلام املا فرمود و در بردارنده کامل نص و تفسیر قرآن بود، در روزهای پایانی عمر خود جمع و تألیف نفرمود و در اختیار مسلمانان قرار نداد؟

توجه به محتوای مصحف مزبور، تا حدی پاسخ پرسش یادشده را آشکار می‌سازد: بی‌شک در تفسیر آیات ولایت و امامت، جانشینان واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جایگاه آنان بیان شده بود، طبعاً چنین مصحفی تنها در صورتی می‌توانست در بین امت باقی بماند و حرمت آن رعایت گردد که خلافت و امامت به صاحب اصلی آن داده شود، اما در صورت سلطه یافتن دیگران بر پیشوایی امت و طرد جانشین واقعی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، طبیعی بود که بساط چنین مصحفی به سبب تعارض داشتن با حاکمیت حکام برچیده می‌شد و این کار سبب مخالفت آشکار هیئت حاکمه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حرمت شکنی صریح نسبت به وحی و پیامبر بود^۱ و در آن شرایط بحرانی، کیان اسلام به مخاطره می‌افتاد؛ لذا برای پرهیز از این پیامدهای خطرناک، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کار جمع و عرضه آن قرآن را به جانشین خود علی علیه السلام محول کرد

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حادثه بیماری وفات خود فرمود: «هلموا أكتب لكم كتاباً لا تضلوا بعده». برخی گفتند: «إن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قد غلبه الوجع وعندكم القرآن حسبنا كتاب الله» این حادثه به خوبی نشان داد که جاه طلبان، آنگاه که منافع خود را در خطر می‌دیدند حتی در حال حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از حرمت شکنی و اهانت به آن حضرت رویگردان نبودند. پس از جسارت یادشده با اینکه برخی متقاضی انجام فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند؛ ولی حضرت از خواسته خود صرف نظر کرد؛ زیرا اهانت مزبور آشکار ساخت که در صورت نوشته شدن سند مکتوب، حرمت آن رعایت نمی‌شود و مورد عمل قرار نخواهد گرفت. (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۷: ج ۵، باب مرض النبی، ج ۷، کتاب المرض والطب).

تا در صورت به دست گرفتن حکومت، آن را در اختیار امت اسلام قرار دهد و در صورت تسلط دیگران بر زمامداری مسلمانان، به اتمام حجت کردن بر آنان بسنده نماید و آن را برای نسلهای آینده حفظ کند. با اعمال این سیاست تا حدودی حرمت وحی، مقام رسالت و مصحف نبوی محفوظ بماند.

رد مصحف علی علیه السلام از سوی ابوبکر و تدوین قرآن بدون تفسیر

از آنچه تا کنون بیان شد، این مطلب به دست می‌آید که مصحف علی علیه السلام از جهات گوناگون جامع و کامل بود. اکنون این پرسش مطرح می‌گردد: با اینکه طبق حدیث امام صادق علیه السلام صفحات مکتوب مصحف مزبور را علی علیه السلام به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از پشت بستر رسول خدا برداشت و جمع و تألیف نمود و صفحات یادشده با املا و نظارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نگاشته شده بود، در عین حال چرا چنین مصحف کامل و معتبری از سوی هیئت حاکمه پذیرفته نشد؟ یقیناً سبب پذیرفته نشدن مصحف مزبور، بی‌اعتمادی یا سوء ظن به آن حضرت نبود؛ زیرا در احادیث فراوان، علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان مرجع امت، محور حق و داناترین شخص نسبت به قرآن معرفی شده و به حکم آیه تطهیر دارای مقام عصمت بود (ر.ک: ناصحیان، ۱۳۸۹: فصل اول) و صحابه به مقام والای آن حضرت واقف بودند.

چنانکه مکرر بیان شد، مصحف مزبور شامل تفسیر، تأویل و شأن نزول آیات بود و نصوصی در امامت علی علیه السلام و سایر امامان اهل بیت علیهم السلام و فضایل آنان بود؛ به نظر می‌رسد همین امر سبب پذیرفته نشدن آن مصحف گردید؛ زیرا پذیرش چنین مصحفی، به معنای تأیید و ترویج تفسیر آیات مربوط به ولایت و امامت و فضایل اهل بیت بود که خطری جدی برای حکومت وقت به شمار می‌رفت. از این رو خلیفه اول و دوم نه تنها مصحف مزبور را نپذیرفتند بلکه از نقل و نگارش احادیث نبوی اعم از احادیث مربوط به تفسیر و غیر آن که فضایل و پیشوایی اهل بیت علیهم السلام را در بر داشت نیز منع کردند و با نگارش تفسیر در مصاحف مخالفت ورزیدند.

ذهبی می‌نویسد: پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابوبکر مردم را گرد آورد و گفت: شما از رسول خدا احادیثی را نقل می‌کنید که در مورد آن با یکدیگر اختلاف دارید و

مردم پس از شما بیشتر اختلاف خواهند کرد؛ لذا از رسول خدا چیزی را روایت نکنید و اگر از شما پرسش شد بگویید: بین ما و شما کتاب خدا، پس حلال آن را حلال شمارید و حرام آن را حرام بدانید (ذهبی، بی تا: ۳/۲۱).

این همان شعاری بود که پیش از آن، عمر در آخرین روزهای حیات پیامبر مطرح کرد و هنگامی که رسول خدا ﷺ فرمود: «ائتونی اکتب لکم کتاباً لا تضلّوا بعدی» عمر گفت: «عندنا کتاب الله حسبنا» (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۷: ۱۲۰/۱؛ قشیری، ۱۴۰۷: ۳/۴۵۴-۴۵۵). همچنین عمر که مشاور درجه اول ابوبکر بود و در سیاستهای او نقش کلیدی داشت در مخالفت با نگارش تفسیر در مصاحف می گفت: «جرّدوا القرآن وأقلّوا الروایة عن محمد ﷺ» (طبری، بی تا: ۲۰۴/۴).

زهري از عمر نقل می کند که گفت: روایت کردن از رسول خدا را کاهش دهید مگر در آنچه مربوط به عمل است (ابن کثیر، بی تا: ۱۰۷/۸).

طبری می نویسد: هنگامی که عمر والیان را منصوب می کرد به مشایعت آنان بیرون می رفت و به آنان توصیه می نمود: ... قرآن را [از حدیث] تهی کنید و روایت کردن از محمد ﷺ را کاهش دهید، من نیز شریک شما هستم (طبری، بی تا: ۲۰۴/۴). عامر شعبی گوید: مردی مصحفی نگاشت و تفسیر هر آیه را در کنار آن نوشت، عمر او را نزد خود فرا خواند و مصحف او را با قیچی برید (کوفی، ۱۴۰۹: ۱۸۰/۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۳۱۵/۲).

جلوگیری از انتشار مصحف علی عليه السلام مشکل هیئت حاکمه را به طور کامل حل نکرد؛ زیرا مصاحف صحابه نیز در آن هنگام کم و بیش، تفسیر مختصر آیات را در بر داشت؛ چنانکه روایت شده: حفصه همسر پیامبر، به شخصی که برای او مصحف می نوشت گفت: هنگامی که به آیه ﴿حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطی﴾ (بقره/ ۲۳۷) رسیدی، به من خبر ده تا آن را آن گونه که رسول خدا ﷺ قرائت می کرد بر تو املا کنم؛ هنگامی که کاتب به آیه مزبور رسید، حفصه این گونه املا کرد: «والصلوة الوسطی و صلاة العصر» (طبری، ۱۴۱۵: ۷۶۳/۲؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۳۳۱). طبری می نویسد: قرأ ابي بن كعب: «فما استمتعتم به منهنّ (إلى أجل مسمی) فآتوهنّ أجورهنّ». عبارت «إلى أجل مسمی» در نقل یادشده، تفسیر آیه است (طبری، ۱۴۱۵: ۱۸/۵-۱۹). نیز از ابن

مسعود روایت شده: «کنّا نقرأ علی عهد رسول الله ﷺ: یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربّک (أنّ علیاً مولی المؤمنین) وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۵۷/۱). بی گمان در ذیل آیه ﴿أطیعوا الله وأطیعوا الرسول وأولی الأمر منکم﴾ (نساء/ ۵۹) و مانند آن توضیحات تفسیری از پیامبر ﷺ نقل شده بود که حاکمیت هیئت حاکمه را به مخاطره می انداخت؛ لذا آنان مترصد فرصتی بودند که مصحفی را در بین مسلمانان رواج دهند که تنها نص قرآن را در بر داشته باشد؛ از این رو پس از جنگ یمامه و کشته شدن شمار زیادی از حاملان قرآن، فرصت را مناسب دیدند و کوشیدند با استفاده از مشارکت مردم به شیوه ای مقبول، نسخه ای از قرآن که خالی از توضیحات تفسیری باشد فراهم آورند و آن را جایگزین مصاحف پیشین سازند؛ در روایت ابوذر که زیر عنوان «روایات صحابه و تابعان» آوردیم، به این مطلب اشاره شده است. از جمله شواهدی که مطلب یادشده را تأیید می کند این است که بر اساس روایات مربوط به جمع ابوبکر، وقتی عمر کار جمع قرآن را به ابوبکر پیشنهاد می کند ابوبکر می گوید: چگونه کاری را انجام دهم که رسول خدا ﷺ انجام نداد؟ و پس از متقاعد شدن ابوبکر و پیشنهاد جمع قرآن به زید بن ثابت او نیز می گوید: چگونه می خواهید کاری را انجام دهید که رسول خدا ﷺ انجام نداد؟ اگر چنان که مشهور است پیامبر ﷺ به سبب آنکه قرآن در حال نزول بود جمع آن را به پس از رحلت خود موکول ساخته بود، طبعاً در راستای مسئولیت و رسالتش نسبت به جمع قرآن باید دستور اکید صادر کرده باشد، در این صورت کسی که پیشوایی امت را پس از آن حضرت به دست می گرفت بی درنگ و با مباحثات و افتخار دستور آن حضرت را اجرا می نمود، نه آنکه در انجام آن تردید داشته باشد. تردید ابوبکر و زید بن ثابت گویای آن است که آنها قصد داشتند درباره قرآن کاری جدید انجام دهند که در زمان رسول خدا ﷺ رایج و مرسوم نبود و آن تجرید قرآن از تفسیر نبوی بود؛ از این رو شخصیت های برجسته ای مانند ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود و... با آنان همکاری نکردند و هیئت حاکمه برای این کار از زید بن ثابت که جوان هیجده ساله ای بود استفاده کرد و این کار را به انجام رساند. مرحله نگارش و تألیف نسخه مورد نظر به گونه مطلوب آنان به پایان رسید؛ اما

مرحلهٔ ترویج و انتشار نسخهٔ مزبور در بین مسلمانان تحقق نیافت و صحابه از آن استقبال نکردند؛ بلکه نسخهٔ مزبور نزد ابوبکر و سپس نزد عمر و پس از او نزد حفصه دختر عمر نگهداری شد تا آنکه به هنگام یکسان‌سازی مصاحف در زمان عثمان در اختیار هیئت یکسان‌سازی قرار گرفت (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۷: ۹۸/۶-۹۹).

روایات جمع قرآن توسط ابوبکر در عهد امویان تا حدودی تحریف شده است؛ با این حال به کمک قرآینی که از سیرهٔ ابوبکر و عمر ارائه شد حقایق یادشده را می‌توان از لابلای آنها به دست آورد. اما دیدگاه مشهور در جمع قرآن ابوبکر که آن را نخستین جمع قرآن می‌دانند، از جهات گوناگون مورد اشکال است. نقد دیدگاه مزبور و اشکالات آن را به تفصیل در مقاله «نگاهی نو به جمع قرآن» آورده‌ایم (ر.ک: ناصحیان، ۱۳۸۷: ۲۹/۳۰-۵۶).

سرانجام مصحف علی علیه السلام

بر اساس شماری از احادیث و روایاتی که در آغاز این مبحث آوردیم پس از آنکه علی علیه السلام قرآن را جمع و تألیف کرد آن را به مسجد آورد و بر مسلمانان و هیئت حاکمه عرضه نمود؛ ولی هنگامی که عمر و ابوبکر در آن نگرسته و مطالبی یافتند که با حاکمیت و منافع آنان سازگار نبود از پذیرش و تأیید آن اعراض و امتناع کردند.

علی علیه السلام پس از اتمام حجت بر آنان، آن مصحف شریف را به خانه برد و پنهان داشت تا مانند سایر مصاحف طعمهٔ حریق نگردد و بدین سان آن را از گزند حوادث حفظ کرد و به سایر امامان اهل بیت علیهم السلام سپرد تا در طول قرن‌ها از دانش آن به جویندگان علوم و معارف قرآنی افاضه نمایند. «کَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ» (عبس/ ۱۱-۱۲)، «أَنْزَلْنَاهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ» (هود/ ۲۸). آنگاه که مهدی علیه السلام ظهور کند و حکومت جهانی خود را آغاز نماید، آن مصحف شریف را به امر خدای سبحان آشکار می‌سازد و دستور می‌دهد آن را به مردم بیاموزند (عسکری، ۱۴۱۵: ۴۰۸/۲). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى حِدِّهِ وَأَخْرَجَ الْمَصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کلینی، ۱۴۰۱: ۶۳۳/۲). آنگاه که قائم آل محمد قیام کند کتاب خدا را آن گونه که بایسته است قرائت می‌کند و مصحفی را که علی علیه السلام نگاشت آشکار می‌سازد.

کتاب‌شناسی

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ق.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد دمشقی، النشر فی القراءات العشر، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۳. ابن حنبل، احمد، المسند، بیروت، دار صادر، بی تا.
۴. ابن خیاط العصفری، خلیفه، تاریخ خلیفه بن خیاط، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ ق.
۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، تحقیق، تصحیح، شرح و مقابله لجنة من اساتذة النجف الاشرف، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۷. ابن قیس کوفی، سلیم، کتاب سلیم بن قیس کوفی، بیروت، بی تا.
۸. ابن کثیر، ابوالفداء، البدایة و النهایه، بیروت، مکتبه المعارف، بی تا.
۹. همو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۲ ق.
۱۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. اربلی، ابن ابی‌الفتح، کشف الغمه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۱۲. امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق محمود الفردوس العظم، دمشق، دار البیضاء، ۱۹۹۷ م.
۱۵. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم، وجدانی، بی تا.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین، سنن بیهقی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، مؤسسهٔ چاپ و نشر، ۱۴۱۱ ق.
۱۸. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۹. خویی، سیدابوالقاسم، البیان، چاپ هشتم، ایران، انوار الهدی، ۱۴۰۱ ق.
۲۰. ذهبی، شمس‌الدین محمد، تذکره الحفاظ، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۲۱. سجستانی، عبدالله بن سلیمان، کتاب المصاحف، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۲۲. سید رضی، خصائص الاثمه، تحقیق محمدهادی امینی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ق.
۲۳. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، منشورات رضی، بی تا.
۲۴. همو، الجامع الصغیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۲۵. همو، الدر المنثور، جده، دار المعرفه، ۱۳۶۵ ق.
۲۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین، الامالی، مؤسسه البعثه، چاپ اول، قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. همو، التوحید، قم، جامعهٔ مدرسین، بی تا.
۲۸. همو، نواب الاعمال، قم، الشریف الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۲۹. همو، معانی الاخبار، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۳۶۱ ش.
۳۰. شیخ مفید، الارشاد، بیروت، آل‌البیت، ۱۴۱۶ ق.

۳۱. همو، *المسائل السرویه*، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۲. همو، *اوانل المقالات*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، تهران، اعلمی، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، *الاحتجاج*، تحقیق السيد محمدباقر الخرسان، نجف، دار النعمان للطباعة و النشر، ۱۳۸۶ ق.
۳۵. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، بی تا.
۳۶. همو، *جامع البیان*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
۳۷. عاملی، جعفر مرتضی، *حقائق هامة حول القرآن*.
۳۸. عسکری، سیدمرتضی، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، ایران، شرکت التوحید للنشر، ۱۴۱۵ ق.
۳۹. العینی، *عمدة القاری*، بیروت دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۰. فیض کاشانی، *التفسیر الصافی*، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۹ ق.
۴۱. قشیری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت، مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، مؤسسه دار الکتب للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. کلبی، محمد بن احمد بن جزی، *التسهیل لعلوم التنزیل*، تحقیق عبدالله خالدی، بیروت، شرکت دار ارقم بن ابی ارقم، بی تا.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ سوم، بیروت، دار صعب، ۱۴۰۱ ق.
۴۵. کوفی، ابن ابی شیبہ، *المصنّف*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۹ ق.
۴۶. متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، چاپ سوم، بیروت، وفاء، ۱۴۰۳ ق.
۴۸. معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۴۹. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله شحاته، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۵۰. موسوی عاملی، سیدشرف الدین، *المراجعات*، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، بی تا.
۵۱. ناصحیان، علی اصغر، *علوم قرآنی در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹ ش.
۵۲. همو، *فصلنامه الهیات و حقوق (مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی)*، سال پنجم، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۸۴ و سال هشتم، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۷.
۵۳. یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا.